

**Nameless Identity and Morpho-Syntax Analysis in José
Saramago's *Blindness*: A Comparative Study of the Portuguese
Original and its Persian Translation**
Elmira Esmaelpour¹

Abstract

The absence of proper names in José Saramago's *Blindness* (Ensaio sobre a cegueira) constitutes a significant linguistic and literary strategy. Characters are identified solely through descriptive noun phrases based on roles, traits, or relationships. This article presents a morphosyntactic analysis of these character labels in the original Portuguese and their Persian translation by Asadollah Amraie. Drawing on morphosyntactic theory, the study examines how linguistic structures construct identity and reinforce themes of anonymity and universality. Although the Persian translation preserves the novel's profound effect of namelessness, it does not consistently replicate the original syntactic structures due to differences in grammatical systems. This analysis highlights the complex interplay between syntax, identity, and translation in cross-linguistic literary interpretation, revealing how syntactic choices shape character identities while maintaining the novel's thematic focus on anonymity and universality.

Keywords: Character, Morphosyntactic Analysis, Nameless, Proper Name, universality.

¹ Ph.D. in linguistics, Department of Linguistics, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran. e.esmaelpour@alzahra.ac.ir

هویت بی‌نام و تحلیل صرفی و نحوی در رمان کوری اثر ژوزه ساراماگو: مطالعه تطبیقی متن اصلی پرتغالی و ترجمه فارسی

المیرا اسماعیل‌پور

چکیده

فقدان نام‌های خاص در رمان کوری^۲ اثر ژوزه ساراماگو، نماد مهم زبانی و ادبی محسوب می‌شود. شخصیت‌ها صرفاً از طریق عبارات اسمی توصیفی مبتنی بر نقش‌ها، ویژگی‌ها یا روابطشان شناسایی می‌شوند. در این مقاله تحلیل صرفی و نحوی این برچسب‌های شخصیتی در زبان اصلی پرتغالی و ترجمه فارسی آن توسط اسدالله امرایی ارائه می‌شود. این پژوهش با تکیه بر نظریه صرفی و نحوی، بررسی می‌کند که چگونه ساختارهای زبانی هویت را می‌سازند و مضامین گمنامی و جهان‌شمولی را تقویت می‌کنند. اگرچه ترجمه فارسی تأثیر عمیق رمان از بی‌نامی را حفظ می‌کند، اما به دلیل تفاوت در نظام‌های دستوری، ساختارهای نحوی اصلی را به طور مداوم بازتولید نمی‌کند. این تحلیل، تعامل پیچیده بین نحو، هویت و ترجمه را در تفسیر ادبی بین‌زبانی برجسته می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه انتخاب‌های نحوی، هویت شخصیت‌ها را شکل می‌دهند و در عین حال تمرکز موضوعی رمان بر گمنامی و جهان‌شمولی را حفظ می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: بی‌نامی، جهان‌شمولی، شخصیت، تحلیل صرفی و نحوی، نام خاص.

۱- مقدمه

رمان «کوری» (۱۹۹۵) اثر ژوزه ساراماگو، به طور گسترده به عنوان رمان تمثیلی قدرتمند که به شکنندگی نظام‌های اجتماعی، فرسایش هویت انسانی و مبارزه وجودی برای هویت می‌پردازد، شناخته شده است. از برجسته‌ترین انتخاب‌های سبکی و فلسفی آن، فقدان کامل نام‌های خاص است. شخصیت‌ها هرگز با نام‌های فردی خوانده نمی‌شوند، بلکه با برچسب‌های توصیفی مانند «همسر دکتر»، «مرد با چشم‌بند سیاه» یا «دختر با عینک تیره» معرفی می‌شوند.

^۱ دکتری زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات، گروه زبان‌شناسی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران

e.esmaelpour@alzahra.ac.ir

^۲ *Ensaio sobre a cegueira*

^۳ José Saramago

به لحاظ ادبی، این راهبرد نام‌گذاری به عنوان ابزاری برای جهان‌شمول‌سازی و انتزاع موضوعی تفسیر شده است. این روش، نشانه‌های خصوصیات فرهنگی، جغرافیایی و اجتماعی را حذف می‌کند و خواننده را دعوت می‌کند تا با شخصیت‌ها به عنوان کهن‌الگوها یا نمایندگان بشریت جمعی درگیر شود. پژوهشگرانی چون فریه (۲۰۰۷)، تولان (۲۰۰۱) و آشکرافت و همکاران^۳ (۲۰۰۲) بررسی کرده‌اند که چگونه این انتخاب زبانی با سلب هویت فردی کامل از شخصیت‌ها، داستان‌گویی متعارف را مختل می‌کند و بدین ترتیب، کاوش رمان در باب کوری، چه به معنای واقعی و چه استعاری، به عنوان وضعیتی از موجودیت مدرن را تقویت می‌بخشد.

با این حال، از منظر زبان‌شناختی، این پدیده به همان اندازه جذاب است. غیبت نام‌های خاص، ما را به بررسی دقیق راهبردهای صرفی و نحوی مورد استفاده برای ساختن هویت در رمان دعوت می‌کند. این عبارات‌های اسمی ثابت، اگرچه ظاهراً ساده هستند، وزن زبانی قابل توجهی را حمل می‌کنند. این عبارات‌ها تنها وسیله زبانی برای شناسایی، شخصیت‌پردازی و انسجام روایی می‌شوند. این تصلب نحوی، مضامین رمان از جمله گیرافتادن، غیرانسانی‌شدن و فلج وجودی را منعکس می‌کند. همانطور که کریم^۴ و فرحان^۵ (۲۰۲۲) استدلال کرده‌اند، راهبردهای زبانی ساراماگو نه تنها به عنوان ابزارهای ادبی، بلکه به عنوان تجلی حالت‌های اخلاقی و روانی عمل می‌کنند.

این مقاله با تحلیل تطبیقی زبان‌شناختی متن اصلی پرتغالی و ترجمه فارسی آن توسط اسدالله امرایی (۱۴۰۱) به این مسائل می‌پردازد. در حالی که پیامدهای ادبی بی‌نامی در «کوری» به طور گسترده‌ای پذیرفته شده است، ساختار صرفی و نحوی این ابزار و انتقال آن به زبان‌هایی با نظام‌های نحوی متفاوت، همچنان کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. این مطالعه با بررسی الگوهای ساختاری برجسب‌گذاری شخصیت در پرتغالی و فارسی، با تمرکز بر مقوله‌های دستوری مانند ساختار عبارت اسمی، صفات ملکی، جملات موصولی و عبارات حرف اضافه‌ای، به این شکاف پرداخته است.

هدف اصلی، درک این مطلب است که چگونه ساختارهای زبانی مورد استفاده برای ساخت شخصیت‌های بی‌نام در متن اصلی، در ترجمه فارسی حفظ، تطبیق یا دگرگون می‌شوند. این مطالعه با استفاده از چارچوب‌های نظری از نحو زایشی (کارنی، ۲۰۱۳)، مطالعات ترجمه (ونتی، ۱۹۹۵؛ بسنت، ۲۰۱۴) و زبان‌شناسی روایی (تولان، ۲۰۰۱)، در پی نشان دادن تعامل شکل و کارکرد در بازنمایی فرامرزی گمنامی است.

در نهایت، این مقاله به حوزه گسترده‌تر زبان‌شناسی ترجمه کمک می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ویژگی‌های عمیق ادبی، مانند گمنامی و ازخودبیگانگی، از طریق نحو رمزگذاری می‌شوند و چگونه آن

¹ Frier, D.

² Toolan, M.

³ Ashcroft, B. et al.

⁴ Kareem, R. S.

⁵ Farhan, A. A.

ویژگی‌ها در مرزهای زبانی حفظ یا تضعیف می‌گردند. این مطالعه از طریق مقایسه دقیق صرفی و نحوی، نقش مترجم را در میانجیگری بین وفاداری زبانی و تأثیر روایی برجسته می‌سازد.

در رمان «کوری»، شهری بی‌نام گرفتار همه‌گیری «کوری سفید» می‌شود. تمام شخصیت‌ها به جای نام‌های خاص، با توصیفاتی ارجاع داده می‌شوند (مانند «دکتر»، «دختر با عینک تیره»)، که مضامین جهان‌شمولی و غیرانسانی شدن را تقویت می‌کند. «نام‌های» شخصیت‌ها از نظر زبانی ثابت هستند. آنها در طول رمان از نظر واژگان یا دستور زبان تغییر نمی‌کنند.

ساراماگو با استفاده از پرچسب‌های توصیفی (مانند «همسر دکتر»، «مرد با چشم‌بند») شخصیت‌ها را جهان‌شمول می‌سازد. علاوه بر این، همه‌گیری کوری، مردم را نه تنها از بینایی، بلکه از هویت اجتماعی نیز محروم می‌کند. نام‌گذاری فرد، عملی از شناخت، از انسانیت است؛ و محروم کردن از نام، شکلی از پاک کردن زبانی است. دنیای «کوری» به فضایی تبدیل می‌شود که در آن زبان، همگام با اخلاق و نظم، فرو می‌پاشد. همچنین، ساراماگو اغلب کاوش می‌کند که چگونه زبان واقعیت را می‌سازد. علاوه بر این، ساختار داستان‌گویی، این فروپاشی را منعکس می‌کند: ۱. عدم استفاده از گیومه، ۲. جملات طولانی و پیوسته، ۳. بی‌نامی. این یک گسستگی زبانی است که با فروپاشی تمدن هم‌راستا است.

نام‌های خاص برای هویت شخصیت بنیادی هستند (الیوت، ۲۰۱۳). اجتناب ساراماگو از نام‌ها یک راهبرد ادبی است که شخصیت‌ها را جهان‌شمول کرده است و به بررسی رفع فردیت (اشکرافت و همکاران، ۲۰۰۲) می‌پردازد. اشکال صرفی و نحوی با تعریف شخصیت‌ها از طریق نقش‌ها، ویژگی‌ها یا کارکردها، و تأثیر بر درک خواننده، این کمبود را جبران می‌کنند (تولان، ۲۰۰۱). نسخه فارسی (ترجمه اسدالله امرایی، ۱۴۰۱) به حفظ وفادارانه ساختار بی‌نامی شناخته شده است، حتی با وجود تفاوت‌ها در نحوه مدیریت ویژگی‌های صرفی و نحوی و نحوی در فارسی، مانند قطعیت، جنسیت و حروف تعریف.

۲- مطالعات پیشین در مورد ترجمه بی‌نامی

کنتز^۱ (۲۰۱۰) به بررسی رمان «محاكمه» کافکا می‌پردازد، جایی که شخصیت‌ها نیز فاقد نام خاص هستند و با عناوینی مانند «متهم»، «قاضی» یا «بازجو» به آنها ارجاع داده می‌شود. کنتز از طریق استخراج نظام‌مند هر ارجاع به شخصیت در متن اصلی آلمانی و دو ترجمه انگلیسی، نشان می‌دهد که چگونه مترجمان از ساختارهای اضافه مانند «مرد قدرت»، ترکیبات اسمی و جفت‌های صفت-اسم مانند «منشی خاموش» برای حفظ فضای بی‌چهره‌گی و ابهام کافکا استفاده می‌کنند. وی همچنین نشان می‌دهد که انتخاب بین حالت ملکی^۲ «S» یا عبارات حرف اضافه‌ای^۳، یا بین اسم‌های مرکب و میزهای

¹ Kunz, D.

² genitive

³ of-phrase

صفتی، تغییرات ظریفی در لحن روایی و درک خواننده ایجاد می‌کند؛ چیزی که وقتی آن را تعامل دیده‌شدن/نادیده‌شدن مترجم می‌نامد.

اسمیت^۱ (۲۰۱۸) این تحقیق را با بررسی هفت زبان اروپایی گسترش می‌دهد و درمی‌یابد که مترجمان به طور مداوم جملات موصولی را به عبارات اسمی کوتاه‌تر ساده می‌کنند تا خوانایی را بهبود بخشند، اما این کار با هزینه از دست دادن برخی ظرافت‌های روایی انجام می‌شود. عطایی و فرخی (۲۰۲۱)، اگرچه تمرکزشان بر متون غیرداستانی است، اما تحلیلی مبتنی بر پیکره از ساختار اضافه فارسی در مقابل اضافه حالت انگلیسی ارائه می‌دهند و بینشی ارزشمند در مورد چگونگی هم‌راستایی و واگرایی پیوند مالکیت در فارسی با الگوهای انگلیسی ارائه می‌کنند.

۳- نظریه و تحلیل صرفی و نحوی

در این مقاله رابطه بین صرف و نحو و چگونگی ترکیب تکواژها (کوچکترین واحدهای معنایی) برای تشکیل ساختارهای نحوی بزرگتر بررسی شده‌اند، با تأکید ویژه بر عبارت اسمی به عنوان واحد بنیادی برای ساختن ارجاع و هویت (کارنی، ۲۰۱۳؛ ردفورڈ، ۲۰۰۹).

درون عبارت اسمی، عناصر مختلفی مانند تعیین‌کننده‌ها^۲ صفات ملکی^۳، صفات^۴ عبارات حرف‌افزافه‌ای^۵ و جملات موصولی^۶ با هم کار می‌کنند تا ارجاع‌شونده را مشخص و توصیف کنند. در رمان «کوری» اثر ژوزه ساراماگو، غیبت عمدی نام‌های خاص روایت را وادار می‌کند تا بیش از پیش به عبارات اسمی توصیفی تکیه کند؛ در نتیجه، هویت شخصیت‌ها، به جای آنکه با نام‌های خاص منحصر به فرد تعیین شود، از طریق این ابزارها در سطح زبان ساخته می‌شود. ساختارهای ملکی و حالت اضافه در این زمینه به ویژه حائز اهمیت هستند، زیرا هویت‌های اجتماعی و رابطه‌ای را به جای منحصر به فرد بودن فردی رمزگذاری می‌کنند. در پرتغالی، روابط اضافه حالت معمولاً از طریق ترکیب حرف اضافه‌ای «de» به علاوه حرف تعریف معین «da» و «do» بیان می‌شود، در حالی که فارسی از ساختار اضافه برای پیوند دادن اسم‌ها در روابط ملکی یا توصیفی استفاده می‌کند و بدین ترتیب معنای رابطه‌ای را حفظ کرده و بر نقش‌ها به جای هویت شخصی تأکید می‌کند (هادلستون^۸ و پولوم^۹، ۲۰۰۲؛ نووس^{۱۰}، ۲۰۱۰). جملات موصولی، اگرچه به ندرت در متن استفاده شده‌اند، اما با محدود کردن و مشخص کردن ارجاع‌شونده‌ها، کارکرد صرفی و نحوی مهمی را انجام می‌دهند، همانطور که در مثال «a

¹ Smith, A.

² Radford, A.

³ determinants

⁴ possessives

⁵ adjectives

⁶ prepositional phrases

⁷ relative clauses

⁸ Huddleston, R.

⁹ Pullum, G.K.

¹⁰ Neves, J.M.

«mulher que vê» (زنی که می‌بیند) دیده می‌شود، که اهمیت روایی را اضافه می‌کند و در عین حال گمنامی را حفظ می‌کند. این الگوهای صرفی و نحوی نشان می‌دهند که چگونه ساختارهای زبانی در «کوری» هویت شخصیت را از طریق عبارات اسمی عام که با توصیف‌گرهای اجتماعی، فیزیکی یا کارکردی آغشته شده‌اند، به جای نام‌های خاص، می‌سازند.

۳-۱- تحلیل صرفی و نحوی نام شخصیت‌ها در رمان «کوری»

جدول مقایسه‌ای دقیقی از ارجاعات هشت شخصیت در پرتغالی و ترجمه‌های فارسی و انگلیسی آنها از رمان «کوری»، همراه با تجزیه و تحلیل صرفی و نحوی که ساختار هر عبارت را برجسته می‌کند، در جدول زیر قابل مشاهده است:

نام شخصیت در زبان فارسی	نام شخصیت در زبان پرتغالی	ساختار صرفی و نحوی نام در زبان پرتغالی	ساختار صرفی و نحوی نام در زبان فارسی	نکات تحلیلی
زن دکتر	a mulher do médico	اسم + عبارت حرف اضافه‌ای [حالت ملکی]	اسم + اسم (حالت اضافی)	ساختار حالت ملکی روابط را در هر دو زبان برجسته می‌سازد. هر دو زبان در ساختار زبانی بی‌نامی در این حالت مشترک هستند که جایگزین اسم خاص در این حالت شده است.
دکتر	o médico	اسم	اسم	ساخت اسم ساده و بیان حرفه جایگزین استفاده از اسم خاص در رمان شده است.
اولین مرد کور	o primeiro cego	ترتیبی صفت + اسم	ترتیبی صفت + اسم + حالت ملکی + صفت	در زبان پرتغالی، به عنوان یک اسم عمل می‌کنند که این واژه به معنای مرد نابینا است در حالی که در زبان فارسی برای بیان مرد نابینا از توالی اسم و صفت استفاده می‌شود. The ordinal البته، در هر دو زبان واژه "اولین" آمده است.
دختر با عینک تیره	a rapariga de óculos escuros	اسم + عبارت حرف اضافه‌ای [اسم + صفت]	اسم + عبارت حرف اضافه‌ای [اسم + صفت]	مشخصه‌های فیزیکی استفاده شده در هر دو زبان برای بیان نام افراد به جای اسم خاص استفاده شده است. مانند: "óculos escuros" ("dark glasses") در هر دو زبان از مشخصه‌های فیزیکی شخصیت استفاده شده است.

پیرمرد با چشم بند سیاه روی یک چشم	o velho da venda preta	اسم + عبارت حرف اضافه‌ای[اسم + صفت]	اسم + عبارت حرف اضافه‌ای [اسم مرکب + حالت ملکی + صفت + عبارت حرف اضافه‌ای]	گروه نحوی در زبان فارسی پیچیده‌تر است. صفت پیر سن را نشان می‌دهد که از مشخصه‌های فیزیکی افراد است در قالب واژه مرکب بیان شده است.
پسر بچه لوچ	o rapaz do estrabismo	اسم + عبارت حرف اضافه‌ای[اسم]	اسم + صفت	مشخصه "estrabismo" در زبان پرتغالی یک اسم است. در حالی که "لوچ" در زبان فارسی یک صفت است.
زن بینا (زن) دکتر)	a mulher que vê	اسم + جمله وابسته	اسم + اسم	بند موصولی نقش روایی را در زبان پرتغالی دارد و برای بیان نام خاص استفاده شده است. در حالی که در زبان فارسی ویژگی بینایی که در زبان پرتغالی آمده است حذف شده است.
سگ اشک‌لیس	o cão das lágrimas	اسم + عبارت حرف اضافه‌ای(حالت ملکی)	اسم مرکب + صفت (اسم صفت)	عبارت o cão das lágrimas در پرتغالی از نظر نحوی یک اسم + عبارت حرف اضافه‌ای است؛ اما «سگ اشک‌لیس» یک ترکیب وصفی است و به ویژگی یا کنش سگ اشاره می‌کند، نه به تعلق یا وابستگی. پس این دو از نظر ساخت و معنا یکسان نیستند.

جدول ۱- جدول مقایسه‌ای ارجاعات هشت شخصیت در پرتغالی و ترجمه‌های فارسی

ساختارهای صرفی و نحوی برای برچسب‌گذاری شخصیت‌ها در رمان «کوری» اثر ژوزه ساراماگو عمدتاً از دو الگوی اصلی پیروی می‌کنند: اسم + اسم (اضافه یا ملکی) و اسم + عبارت حرف اضافه‌ای. در پرتغالی، مالکیت با ترکیب حرف اضافه-حرف تعریف «do» مشخص می‌شود، مانند «a mulher do médico» (همسر دکتر). فارسی مالکیت را با استفاده از ساختار اضافه «-e» بیان می‌کند، مانند «زن دکتر». بنابراین، ترجمه اصلی و فارسی از این نظر اساساً ساختار نحوی یکسانی دارند. این تطابق، هویت رابطه‌ای را بر نام‌های شخصی ترجیح می‌دهد و بر مضامین وابستگی و نقش‌های اجتماعی تأکید می‌کند. قابل ذکر است که همسر دکتر شخصیتی پویا است و علیرغم نداشتن نام شخصی، رشد، همدلی و رهبری را نشان می‌دهد.

عبارات اسمی پیچیده مانند «a rapariga de óculos escuros» (دختر با عینک تیره) مستقیماً با «دختر با عینک تیره» در فارسی مطابقت دارند. در اینجا، صفت «escuros» (تیره) اسم «óculos» (عینک) را توصیف می‌کند و ساختاری [اسم + صفت] را در هر دو زبان تشکیل می‌دهد. استفاده از ویژگی‌های فیزیکی، عدم دیده شدن و گمنامی را تداعی می‌کند و وضعیت شخصیت را منعکس می‌سازد. این شخصیت نیز پویا است و تحول و عمق عاطفی را نشان می‌دهد.

در مورد «o primeiro cego» (اولین مرد کور)، صفت ترتیبی «primeiro» (اولین) اسم «cego» (مرد کور) را توصیف می‌کند. فارسی موازی دقیق نحوی را در اینجا حفظ نمی‌کند، زیرا «cego» در پرتغالی با یک اسم مطابقت دارد اما در فارسی به عنوان صفت «کور» ترجمه شده است که «مرد» را توصیف می‌کند. این شخصیت ایستا است: کوری او باعث هرج و مرج می‌شود، اما او بیشتر نمادین باقی می‌ماند تا دارای شخصیت پردازی.

عبارت «a mulher que vê» (زنی که می‌بیند) در پرتغالی از یک جمله موصولی برای مشخص کردن هویت و کارکرد روایی استفاده می‌کند. این جمله نقش منحصر به فرد او را در گروه برجسته کرده و بدون نام‌گذاری، به مشخص بودن روایت می‌افزاید. با این حال، ترجمه فارسی این را به «زن دکتر» ساده می‌کند، جنبه «دیدن» را حذف کرده و در نتیجه شخصیت را در یک هویت رابطه‌ای و پایدار منجمد می‌کند. در رمان، این زن شخصیتی پویا و برای پیشرفت داستان حیاتی است، اما این پویایی تا حد زیادی در نسخه فارسی که پیوندهای رابطه‌ای را بر عاملیت فردی اولویت می‌دهد، غایب است. شخصیت فرعی «دکتر» («o médico») در هر دو زبان صرفاً یک اسم است و حرفه به عنوان هویت عمل می‌کند. این عبارت اسمی ساده و پایدار، به جای هویت شخصی، یک نقش اجتماعی را نشان می‌دهد. این شخصیت ایستا است و نظم اخلاقی را با رشد شخصی محدود نشان می‌دهد.

عبارت فارسی «پیرمردی با چشم‌بند سیاه روی یک چشم» از نظر نحوی پیچیده‌تر از همتای پرتغالی آن «o velho da venda preta» (اسم + عبارت حرف اضافه‌ای [اسم + صفت]) است. فارسی از یک اسم مرکب به علاوه عبارات حرف اضافه‌ای تودرتو استفاده می‌کند و بر شناسه‌های بصری به عنوان ارجاع‌دهنده‌های اولیه تأکید کرده و عدم فردیت را تقویت می‌کند. این شخصیت ایستا است و نماد کوری و پیری است.

برای «o rapaz do estrabismo» (پسر با انحراف چشم)، پرتغالی از ساختار اسم + عبارت حرف اضافه‌ای استفاده می‌کند، در حالی که فارسی از اسم + صفت (پسر بچه‌ی لوچ) استفاده می‌کند. ویژگی‌های فیزیکی دوباره هویت را علامت‌گذاری کرده و بر ظاهر در مقابل فردیت تأکید می‌کنند. این شخصیت پویا است و به طور فعال به پیشرفت داستان کمک می‌کند.

عبارت پرتغالی o cão das lágrimas از نظر ساخت نحوی یک الگوی وابستگی اسم به یک عبارت حرف اضافه‌ای را نشان می‌دهد. در این ساختار، cão هسته گروه اسمی است و das lágrimas (ترکیب as + de) نقش وابسته را ایفا می‌کند؛ بنابراین ترجمه طبیعی آن به فارسی «سگ اشک‌ها» است. در اینجا، رابطه میان «سگ» و «اشک‌ها» بیشتر جنبه تعلق/وابستگی یا ارتباط اسمی

دارد (یعنی «سگ» مربوط به اشک‌ها/گریه/اندوه)، نه اینکه «اشک‌ها» خود به طور مستقیم صفت رفتاری «سگ» باشند. در مقابل، ترکیب فارسی «سگ اشک‌لیس» از نظر ساخت، یک ترکیب وصفی/ترکیب مبتنی بر نقش‌ویژگی است: «اشک‌لیس» به عنوان واحد وصفی، «سگ» را با ویژگی رفتاری توصیف می‌کند (یعنی «سگی که اشک را می‌لیسد»). بنابراین، در حالی که das lágrimas در پرتغالی یک عبارت وابسته با de است و رابطه را از جنس اضافه/حرف‌اضافه‌ای می‌سازد، «اشک‌لیس» در فارسی نقش یک صفت‌کنشی را دارد.

در مجموع، ساختارهای صرفی و نحوی در برچسب‌گذاری شخصیت‌ها به طور مداوم از نام‌های خاص اجتناب کرده و توصیف‌گرهای رابطه‌ای یا فیزیکی را ترجیح می‌دهند. ساختارهای ملکی/اضافه در پرتغالی به طور طبیعی با ضمائر ملکی یا عبارات حرف اضافه‌ای فارسی مطابقت یافته و بعد رابطه‌ای هویت شخصیت را حفظ می‌کنند. با این حال، عبارات پرتغالی و فارسی همیشه از نظر ساختاری موازی نیستند، که نشان‌دهنده یک رویکرد ترجمه غیرمستقیم است که سبک گمنام و توصیفی رمان را حفظ می‌کند. توصیفات فیزیکی یا کارکردی غالب هستند که با تمرکز موضوعی رمان بر عدم فردیت مطابقت دارد.

۴- تحلیل داده‌ها

حذف عمدی نام‌های خاص توسط ساراماگو در «کوری»، شخصیت‌ها را وادار می‌کند تا از طریق عبارات اسمی توصیفی که بر نقش‌های اجتماعی، ویژگی‌های فیزیکی یا کارکردهای روایی تأکید دارند، تعریف شوند. از نظر زبانی، این راهبرد به صورت استفاده مداوم از ساختارهای اضافه یا ملکی و اسم + عبارت حرف اضافه‌ای تظاهر می‌یابد که شخصیت‌ها را جهان‌شمول کرده و آنها را به چهره‌های کهن‌الگویی تبدیل می‌کند که مضامین گمنامی، از دست دادن هویت و فروپاشی اجتماعی رمان را منعکس می‌سازند. به عنوان مثال، «همسر دکتر» (a mulher do médico / زن دکتر) در هر دو زبان پرتغالی و فارسی از طریق یک ساختار اضافه شناسایی می‌شود و نقش رابطه‌ای او را بر هویت شخصی اولویت می‌دهد. علیرغم پویایی روایی او که با همدلی و رهبری مشخص می‌شود، این انتخاب زبانی عدم فردیت را تقویت می‌کند. در مقابل، «دکتر» (o médico / دکتر) با یک اسم ساده که حرفه را نشان می‌دهد، بازنمایی می‌شود و شخصیتی ایستا را که توسط کارکرد اجتماعی تعریف می‌شود نه فردیت، به تصویر می‌کشد.

یک واگرایی نحوی قابل توجه با «اولین مرد کور» (o primeiro cego / اولین مرد کور) پدیدار می‌شود. در حالی که پرتغالی یک صفت ترتیبی و اسم را ترکیب می‌کند، فارسی از یک صفت که یک عبارت اسمی را توصیف می‌کند استفاده می‌کند، که اندکی موازی ساختاری را کاهش می‌دهد اما نقش نمادین او را به عنوان آغازگر همه‌گیری حفظ می‌کند. به طور مشابه، شخصیت‌هایی مانند «دختر با عینک تیره» و «پسر با انحراف چشم» با توصیف‌گرهای فیزیکی (مانند a rapariga de óculos escuros / دختر با عینک تیره) شناسایی می‌شوند، که هویت را خارجی کرده و فاصله روایی را حفظ

می‌کنند، در حالی که به این شخصیت‌ها اجازه می‌دهند تا به عنوان شرکت‌کنندگان پویا در داستان باقی بمانند.

«زن بینا»ی پرتغالی (*a mulher que vê*) یک استثنای قابل توجه است، زیرا جمله موصولی آن بر عاملیت منحصر به فرد او تأکید می‌کند. ترجمه فارسی این عبارت را به «زن دکتر» ساده می‌کند، مفهوم «دیدن» را حذف کرده و در نتیجه برجستگی روایی او را کاهش می‌دهد. این کاهش، الگوی گسترده‌تری از ترجمه را منعکس می‌کند: جملات موصولی در پرتغالی اغلب به ساختارهای اضافه یا توصیفی ساده‌تر در فارسی تبدیل می‌شوند و ظرافت نحوی را با خوانایی معامله می‌کنند.

یافته‌ها با کنتز (۲۰۱۰) همسو است، که استراتژی‌های مشابه گمنامی را در رمان «محاکمه» کافکا ذکر می‌کند، جایی که مترجمان بین اضافه حالت‌ها، ترکیبات و جفت‌های صفت-اسم تعادل برقرار می‌کنند تا بی‌چهره‌گی را حفظ کنند. به همین ترتیب، اسمیت (۲۰۱۸) مشاهده می‌کند که مترجمان ادبی اغلب جملات موصولی را کوتاه می‌کنند، روندی که در ترجمه *a mulher que vê* به *zan-e doktor* نیز مشهود است. عطایی و فرخی (۲۰۲۱) برجسته می‌کنند که چگونه ساختارهای اضافه فارسی با روابط اضافه حالت مطابقت دارند اما فاقد تمایزات حرف تعریف هستند، عاملی که گاهی اوقات منجر به کاهش مشخصه کارکردی در ترجمه می‌شود.

از منظر زبان‌شناختی، غیبت حروف تعریف معین و نامعین در فارسی، همراه با اتکای آن به اضافه، هویت رابطه‌ای را برجسته کرده و با لحن گمنام رمان همخوانی دارد. با این حال، زبان پرتغالی از طریق عبارات حرف اضافه‌ای و جملات موصولی، که گاهی در زبان فارسی هم‌سطح می‌شوند، امکان ظرافت سبکی بیشتری را فراهم می‌کند. این جابجایی می‌تواند فاصله روانشناختی و عاطفی بین خواننده و شخصیت را تا حدودی تغییر دهد، اثری که در چشم‌انداز فلسفی ساراماگو از عدم فردیت مرکزی است. عبارات توصیفی ثابت ساراماگو عمداً خوانندگان را از شخصیت‌ها دور می‌کند و آنها را تشویق می‌کند تا گروه بازیگران را به عنوان نمایندگان نمادین بشریت در نظر بگیرند تا چهره‌های کاملاً فردی شده. تغییرات ظریف صرفی و نحوی در ترجمه، مانند ساده‌سازی جملات موصولی یا تودرتو کردن عبارات حرف اضافه‌ای، می‌تواند بر نحوه درگیری عاطفی خوانندگان با روایت تأثیر بگذارد و تعادل بین جهان‌شمولی و همدلی شخصی را تغییر دهد.

«سگ اشک‌ها»ی نمادین (*o cão das lágrimas* / سگ اشک‌ها) نشان می‌دهد که چگونه هر دو زبان برای تأکید بر کارکرد روایی به جای فردیت، به اسم‌های مرکب و ساختارهای ملکی تکیه می‌کنند که با استفاده موضوعی ساراماگو از حیوانات به عنوان استعاره مطابقت دارد. در حالی که ترجمه فارسی عمدتاً ساختار گمنام را حفظ می‌کند، برخی از ظرافت‌های معنایی به دلیل تفاوت‌های زبانی به ناچار از دست می‌روند. به عنوان مثال، جایگزینی جملات موصولی با ساختارهای اضافه، مشخصات روایی و عاملیت شخصیت را کاهش می‌دهد.

از منظر مطالعات ترجمه، نسخه فارسی نشان‌دهنده یک استراتژی بومی‌سازی (ونتی، ۱۹۹۵) است که جنبه‌های صرفی-نحوی پرتغالی را با هنجارهای دستوری و انتظارات فرهنگی فارسی تطبیق می‌دهد.

این رویکرد خوانایی را در اولویت قرار می‌دهد و در عین حال مقداری از موازی‌سازی نحوی و پیچیدگی سبکی را قربانی می‌کند. این تفاوت‌ها همچنین محدودیت‌های فرهنگی و زبانی را برجسته می‌کنند، مانند نقش اضافه در پیوند دادن اسم‌ها به ممیزها یا مالک‌ها، که بیان هویت و رابطه‌مندی را بازسازی می‌کند. در نهایت، استراتژی‌های صرفی و نحوی ساراماگو بر کاوش رمان در مورد عدم فردیت، جهان‌شمولی و فروپاشی اجتماعی تأکید می‌کنند. ترجمه فارسی این مضامین را به طور مؤثر مذاکره می‌کند، اگرچه اقتباس‌های ساختاری گاهی اوقات لحن روایی را تغییر داده و پویایی شخصیت را کاهش می‌دهند. به طور کلی، این تحلیل نشان می‌دهد که چگونه شکل زبانی بر بیان موضوعی تأثیر می‌گذارد و چگونه ترجمه به مکانی تبدیل می‌شود که در آن نگرانی‌های فلسفی و ادبی در زبان‌های مختلف بازتفسیر می‌شوند.

۵- نتیجه‌گیری

شخصیت‌های بی‌نام ساراماگو از طریق الگوهای صرفی و نحوی ساخته شده‌اند که بر نقش‌های اجتماعی، ویژگی‌های فیزیکی و کارکردهای روایی تأکید دارند. همانطور که در جدول مقایسه‌ای نشان داده شد، هم متن اصلی پرتغالی و هم ترجمه فارسی برای جهان‌شمول‌سازی شخصیت‌ها، حل هویت فردی و برجسته کردن مضامین وجودی، به این راهکارهای زبانی متکی هستند.

تحلیل مقایسه‌ای نشان می‌دهد که در حالی که زبان‌های پرتغالی و فارسی از نظر صرفی و نحوی تفاوت قابل توجهی دارند، ترجمه فارسی به اثری روایی تا حد زیادی موازی دست می‌یابد. تنظیمات ساختاری، مانند جایگزینی جملات موصولی با ساختارهای ملکی یا معرفی عبارات حرف اضافه‌ای تودرتو، متن را با هنجارهای دستوری فارسی تطبیق می‌دهد بدون اینکه مضامین اصلی رمان از گمنامی و هویت رابطه‌ای را تضعیف کند.

این مطالعه به رابطه پیچیده بین شکل زبانی و معنای ادبی می‌پردازد. انتخاب‌های صرفی و نحوی نه تنها ساختار شخصیت، بلکه عمق فلسفی «کوری» را نیز شکل می‌دهند و نشان می‌دهند که ترجمه یک مذاکره خلاقانه است تا یک انتقال صرفاً واژگانی. ترجمه فارسی با متعادل کردن وفاداری به متن مبدأ با محدودیت‌های زبان مقصد، چشم‌انداز ساراماگو از انسانیتی غیرشخصی و جهانی را که با فروپاشی اجتماعی روبرو است، حفظ می‌کند.

منابع

- ساراماگو، ژوزه (۱۴۰۱). کوری. ترجمه اسدالله امرایی. تهران: انتشارات مروارید، چاپ سی‌وهشتم.
- Ashcroft, B., Griffiths, G., and H. Tiffin (2002). *The Empire writes back: Theory and practice in post-colonial literatures* (2nd ed.). Routledge.
- Ataei, S., and V. Farrokhi (2021). Ezāfe Constructions and their Equivalents in English: A Corpus-based Analysis. *Iranian Journal of Linguistics*, 15 (1), 1–24.

- Bassnett, S. (2014). *Translation studies* (4th ed.). Routledge.
- Carnie, A. (2013). *Syntax: A Generative Introduction* (3rd ed.). Wiley-Blackwell.
- Elliott, K. (2013). *Narrative Characterization*. Routledge.
- Forster, E.M. (1927). *Aspects of the Novel*. Edward Arnold.
- Frier, D. (2007). *The Novels of José Saramago: Echoes from the past, paths into the future*. University of Wales Press.
- Huddleston, R. and G.K. Pullum (2002). *The Cambridge Grammar of the English Language*. Cambridge University Press.
- Kareem, R. S. and A.A. Farhan (2022). The Language of Evaluation in José Saramago's "Blindness" via Appraisal Theory. *International Linguistics Research*, 5(4), 1–10. <https://doi.org/10.30560/ilr.v5n4p1>
- Kunz, D. (2010). Translating Anonymity: Proper Names and their Absence in Kafka's *The Trial*. *The Translator*, 16 (1), 45–62.
- Neves, J. M. (2010). Portuguese Genitive Constructions. *Journal of Portuguese Linguistics*, 9(1), 45–67.
- Radford, A. (2009). *Analyzing English Sentences: A Minimalist Approach*. Cambridge University Press.
- Toolan, M. (2001). *Narrative: A Critical Linguistic Introduction* (2nd ed.). Routledge.
- Venuti, L. (1995). *The Translator's Invisibility: A History of Translation*. Routledge.
- Saramago, J. (1995). *Ensaio sobre a cegueira*. Lisbon: Caminho.
- Saramago, J. (1995). [Blindness] (Trans. A. Amraie). Tehran, Iran: Morvarid Publication.
- Smith, A. (2018). Relative Clauses in Literary Translation: A Cross-Linguistic Study. *Journal of Translation Studies*, 11(1), 67–89.
- Encyclopedia.com. (2023). *Blindness*. In *Encyclopedia of medicine*. Retrieved July 5, 2025, from <https://www.encyclopedia.com>
- eNotes. (2022). Why does José Saramago give no names in his novel *Blindness*? Retrieved July 5, 2025, from <https://www.enotes.com/topics/blindness/questions/why-does-jose-saramago-give-no-names-his-novel-300061>

ل س د ا ل س د ا ل س د ا ل

.....